

حادثه‌ها

۳ معلم در حادثهٔ رانندگی مشکین شهر جان باختند

● ایرنا: بر اثر حادثهٔ رانندگی در شهرستان مشکین‌شهر سه معلم جان باختند و سه نفر دیگر به‌شدت مصدوم شدند. در این حادثه که روز گذشته در جاده مشکین‌شهر–مغان حوالی روستای کوده گهریز روی دو کامیون دسنگه سواری پراید و پیکان به‌شدت با یکدیگر برخورد کردند. شدت سانحه به‌حدی بود که سه نفر از سرنشینان سواری پراید که از آموزگاران مشکین‌شهری شاغل در بخش انگوت گرمی بودند در دم جان باختند. در این تصادف دلخراش سه نفر دیگر نیز از سرنشینان هر دو وسیله نقلیه به‌شدت مصدوم و به مرکز درمانی اعزام شدند. سر دستگاه پرویز فتاحی، فرمانده پلیس راه استان اردبیل، گفت: اعلام علت اصلی این سانحه نیاز به بررسی بیشتری دارد و متعاقبا اعلام خواهد شد. فرماندار مشکین‌شهر و مدیرکل آموزش وپرورش استان اردبیل عصر شنبه با حضور در بیمارستان حضرت ولیعصر(عج) مشکین‌شهر از مصدومان حادثه عیادت کردند.

استراحت پدر موجب مرگ همسر و دخترش شد

● میزان: یک دستگاه خودروی سواری پراید حامل دو سرنشین به دره ۷۰۰متری در جاده هراز سقوط کرد. اورژانس ۱۱۵ مازندران صبح دیروز در گزارشی اعلام کرد یک دستگاه خودروی پراید حامل دو سرنشین شب گذشته به دره‌ای به عمق ۷۰۰ متر در جاده هراز سقوط کرد. براساس این گزارش، سهل‌انگاری راننده خودروی پراید که برای استراحت خودرویش را بدون کشیدن ترمز دستی کنار جاده پارک کرده بود موجب مرگ دختر و همسرش شد. نیروهای امدادو نجات اورژانس ۱۱۵ و جمعیت هلال‌احمر بعد از ساعت‌ها تلاش هنوز موفق نشده‌اند خودروی سقوط‌کرده به دره را بیرون بکشند.

دستگیری سارق حرفه‌ای با ۲۲ فقره سرقت در اسکو

● پلیس: فرمانده انتظامی شهرستان اسکو از دستگیری سارق حرفه‌ای با ۲۲ فقره سابقه سرقت خبر داد. سرگرد «محمد نعمتی» در تشریح این‌خبر اظهار کرد: در پی وقوع یک مورد سرقت موتورسیکلت، مأموران پلیس شناسایی و دستگیری سارق را در دستور کار خود قرار دادند. وی ادامه داد: مأموران با بررسی سوابق سارقان سابقه‌دار، یک نفر را به‌عنوان مظنون شناسایی و در عملیات غافلگیرانه وی را در مخفیگاه خود دستگیر کردند. وی در ادامه افزود: متهم در بازجویی‌ها به دو فقره سرقت از منازل اعتراف کرد و با بررسی انش‌جامه مشخص شد متهم از سارقان سابقه‌دار است که به دلیل ارتکاب بیش از ۲۰ فقره سرقت موتورسیکلت در زندان بوده و پس از اتمام مدت محکومیت از زندان آزاد شده است. سرگرد نعمتی در پایان با بیان اینکه متهم پس از تشکیل پرونده، برای رسیدگی به مراجع قضائی معرفی شد، گفت: از مالکان وسایل نقلیه تقاضا داریم با رعایت نکات ایمنی و هشدارهای پلیسی از وقوع چنین مواردی پیشگیری کنند.

دستگیری شوهر قاتل در مشهد

● ایرنا: بازرس ویژه قتل عمد دادرای عمومی و انقلاب مشهد گفت: متهم فراری که همسر خود را در این شهر به قتل رسانده بود، در کمتر از چند ساعت دستگیر شد. کاظم میرزایی افزود: مرد ۳۸ساله در جاده سیمان مشهد در پی درگیری با همسرش با ضربات چاقو زن ۲۹ساله را به قتل رسانده و از محل متواری شده بود. وی بیان کرد: بلافاصله پس از اعلام این خبر موضوع در دستور کار قرار گرفت و تحقیقات آغاز شد. میرزایی بیان کرد: با پیگیری‌های پلیس روز گذشته در کمتر از چند ساعت از وقوع جرم، متهم دستگیر و روند تکمیل پرونده ادامه دارد.
اواخر اسفندماه سال گذشته نیز در حادثه‌ای دیگر، زن جوان پس از قتل شوهر ۲۸ساله‌اش، جسد وی را سوزانده و روی آن اسید ریخته و با پیچیدن جسد در میان پتو، آن را در حوالی پایگاه شکاری رها کرده بود.

درست‌کردن کولر جان مادر و پسر را گرفت

● میزان: بی‌احتیاطی مادر و پسرش در راه‌اندازی کولر در روستای جزای شهرستان طارم موجب برق‌گرفتگی شدید و مرگ آنها شد. در پی تماس با مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ مبنی بر برق‌گرفتگی در روستای «جزلا» از توابع شهرستان طارم، مأموران به محل مورد نظر اعزام و موضوع را مورد بررسی قرار دادند. این گزارش حاکی است در تحقیقات انجام‌شده مشخص شد مادر ۶۰ساله و پسر ۴۱ساله‌اش در حال راه‌اندازی کولر در حیاط منزل دچار برق‌گرفتگی شدید شده بودند. گفتنی است این دو مصدوم برای مداوا به بیمارستان منتقل می‌شوند که متأسفانه بر اثر شدت حادثه در بیمارستان فوت می‌کنند.

شرق: مردی که با انگیزه مالی با همدستی دو نفر دیگر جوانی را به قتل رسانده است، در حالی با همدستانش پای میز محاکمه رفت که از کینه‌ای قدیمی برای این قتل پرده برداشت. به گزارش خبرنگار ما، آبان‌ماه سال ۹۲ مأموران پلیس جسد مردی جوان را که زیر پل فردیس راه شده بود پیدا کردند. با انتقال جسد به پزشکی قانونی مأموران متوجه شدند این فرد جوانی به نام داریوش است که چند روز قبل از پیداشدن جسدش خانواده‌اش اعلام کرده بودند که او گم شده است.

در ادامه تحقیقات مأموران جسد را به پزشکی قانونی انتقال دادند و بررسی‌های خود را برای مشخص‌شدن عاملان این قتل آغاز کردند. مأموران اطمینان داشتند داریوش قربانی یک کینه شده است چراکه اولا کبودی‌های روی بدن او نشان می‌داد قبل از اینکه به قتل برسد مورد ضرب و جرح قرار گرفته و آثار روی دستانش هم حکایت از مقاومت داشت. ضمن اینکه عاملان قتل با کینه‌ای عمیق او را به قتل رسانده بودند چراکه نه‌تنها جمجه‌هاش را شکسته بودند بلکه گلویش را هم بریده بودند.

بنابراین بهترین راه برای پیداکردن سرنخی از این قتل، بررسی زندگی خصوصی مقتول بود. مأموران بعد از چند روز تحقیق درنهایت متوجه شدند مقتول مدت‌هاست با فردی دچار اختلاف مالی است و چندین بار هم سر این موضوع با هم جروبحث کرده‌اند. به‌این‌ترتیب مأموران تحقیقات گسترده‌ای را آغاز کردند و موفق شدند نادر،

مردی را که با مقتول اختلاف داشت، بازداشت کنند. این مرد بعد از چندین روز مقاومت به قتل اعتراف کرد و به مأموران گفت: من و داریوش مدت‌ها بود که با هم اختلاف داشتیم. درگیری ما بر سر یک مغازه و چند زمین بود. او پول من را نمی‌داد و میلیاردها تومان سرمایه‌ما دست او بود. مجبور شده بودم در یک آژانس کار کنم و به همین خاطر هم از دست او عصبانی بودم. روز حادثه با همدستی دو نفر دیگر به نام‌های کریم و شکیب او را به قتل رساندم؛ شکیب کارگر من بود و او بود که گلولی داریوش را برید.

متهم گفت: بعد از قتل هم جسد را از محل کار من زیر پل فردیس بردیم و آنجا رها کردیم. بعد از اعترافات این مرد، شکیب و کریم هم بازداشت شدند. آنها نیز به همدستی و مشارکت در قتل اعتراف کردند و توضیح دادند که در قبال گرفتن پول دست به این کار زده‌اند. در نهایت با تکمیل تحقیقات و صدور کیفرخواست پرونده برای رسیدگی به شعبه چهار دادگاه کیفری استان تهران ارسال شد و متهمان روز گذشته پای میز محاکمه رفتند. در ابتدای جلسه کیفرخواست علیه متهمان خوانده شد و نماینده دادستان خواست هر سه آنها با اتهام مشارکت در قتل محاکمه شوند.

سپس نوبت به اولیای دم رسید و آنها نیز درخواست صدور حکم قصاص برای عاملان قتل کردند. در ادامه شکیب متهم ردیف اول در جایگاه حاضر شد؛ او اتهام قتل عمد را رد کرد و گفت: من اصلا نمی‌دانستم ماجرا چیست و نادر به ما دروغ گفته بود و خودش هم عامل

اصلی قتل است. او گفت: من و نادر در یک آژانس با هم آشنا شدیم و همکار بودیم تا اینکه نادر یک آشپزخانه به راه انداخت و من را هم دعوت به همکاری کرد؛ من هم قبول کردم. او از من پول گرفته بود و کار می‌کرد و سودش را می‌داد. من هم فکر می‌کردم آدم خوبی است تا اینکه چندروزی بعد از حادثه به من گفت اگر به او کمک کنم کسی را بکشد، چند میلیون تومان به من خواهد داد. من قبول نکردم و گفتم این کار را نمی‌کنم اما گفت موضوع ناموسی است و من باید به او کمک کنم؛ باز هم مقاومت کردم و این بار گفت اگر کمکش نکنم، پولی را که دستش دارم به من پس نمی‌دهد. چاره‌ای نداشتم جز اینکه کمکش کنم. موضوع را با دوستم کریم در میان گذاشتم و او قبول کرد؛ با اینکه نادر گفته بود به ما سه میلیون تومان می‌دهد اما پنج میلیون تومان داد و خواست نقشه را عملی کنیم. پول دست کریم بود، چند روز بعد از اینکه پول به دست کریم رسیده بود، به او گفتم پول را پس بده من پشیمان شدم اما او گفت که پول را خرج کرده است و دیگر حاضر نیست آن را پس بدهد؛ دوباره مجبور شدم به خواسته نادر تن دهم.

او درباره روز حادثه گفت: آن روز طبق قرار نادر مقتول را به آشپزخانه کشاند و بعد از من و کریم خواست به او حمله کنیم و او را بزنیم؛ ما هم کتکش زدیم. نادر برای ما شوکر و گاز اشک‌آور خریده بود. وقتی کریم با شوکر به مقتول حمله کرد، شوکر عمل نکرد و مقتول هوشیارتر شد و سعی کرد جلوی ما را بگیرد اما